

آنتیستین

مشاهیر عالم

Antisthène

یکی از شاگردان معروف سقراط حکیم آنتیستین حکیم یونانی است که در سال ۴۲۴ قبل از میلاد مسیح در شهر « آتن » قدم بعرضه وجود گذاشت.

تحصیلات ابتدائیش بموجب تعالیم گرژیاس (gorgias) (۱) سوفسطائی (۲) بوده است.

چندی خود شخصاً مشغول تدریس علوم منطق و معانی بیان گردید تا زمانی که صیت فضائل و بزرگواری سقراط فیلسوف را

[۱] یکی از مشهورترین سوفسطائیان یونان که در سال ۴۸۵ قبل از میلاد مسیح در یکی از بلاد جزیره سیسیل متولد و گویند ۱۰۷ سال در این عالم زیسته است.

این شخص در فن بلاغت و فصاحت ید طولائی داشته است و دارای مؤلفات بسیاری بوده که هیچیک بجا نمانده مگر دو رساله مطبوعه در سال ۱۷۷۳ میلادی که در صحت مندرجات این دو رساله هم نمی توان اطمینان کامل حاصل نمود.

[۲] رجوع شود بشماره اول سال سوم مجله فرهنگ صفحه ۹ از بالا سطر چهار

شنیده و مقام ارجمند و رفیع حکیم را در جامعه گوشزد او نمودند بدون درنگ بساط تعلیم و تدریس را بر چیده يك دل و یکجهدت فریفته و شیفته قمر اط حکیم گردیده از آن ساعت ببعدها جد و جهد خود را صرف تحصیل فلسفه و حکمت نمود و رسید به مقامی که می خواست .

گویند « آنتیستن » اول کسی بود که کشکول سؤال و جواب گدائی بر داشت و می خواست بدین نمایش اشاره به مقام حکمت و فلسفه نماید یعنی فیلسوف کسی است که ثروت و عالم صورت اعتنا نکند و دولت و حشمت غیر جاودانی عالم را توجه ننماید نوشته اند سقراط را این نمایش خوش نیامد و این حرکت را نپسندید روزی در اثنای صحبت گفت : ای آنتیستن بهوش باش ! من هنوز بخوبی علامت کبریا و غرور را در اطراف لباس تو مشاهده مینمایم لختی اندیشه کن .

آنتیستن حکیم می گفت : « انسان برای وصول بمقامات فضیلت و تقوی باید از جلال و احتشام ظاهری چشم پوشیده و ابداً گردد لذا بد نفسانی نگردد و الا با حرص و شره در زندگانی درک حقایق حیات غیر ممکن و محال است . »

(آنتیستین) معتقد بود که، بهترین صفات تقوی و بدترین اخلاق فحشاء است.

(آنتیستین) را مؤسس مدرسه Cynique سینیک « ۱ » که حکمای شرق « کلبی » ترجمه کرده اند مینویسند و « دیو جانس کلبی » که تذکره حاشا ذیلابیدازشاگردان نامی او است .
 بالاخره « آنتیستین » حکیم در سن ۷۲ سالگی از این سرای رخت بریاست .

آنتیستین رسائل و مؤلفات حکیمانه بسیاری در اثبات درجات فضائل انسانی نوشته ولی متأسفانه مرور ایام نسخه از آن رسائل بجا نگذاشته فقط قطعات چندی باسم او در سال ۱۸۴۲ میلادی بطبع کاویندیل و اطلت و فرینکلین قطعاً را Winckelmann « وینکلمان » (۲) نامی جمع آوری نموده

[۱] این کلمه از یونانی از [سک] مشتق میشود و چون این زمره فلاسفه قیدی بزندگانی نداشته و با نظر تحقیر و اهانت بدنیا مینگریستند باین اسم موسوم شدند و معروف ترین آنها پس از (آنتیستین) و (دیوجانس)

عبارتند از [کراتس] Cratès و منیپ Menippe است

[۲] عالم آثار قدیمه پسر شخصی کنش درز در سال ۱۷۱۷ میلادی متولد و در سن ۱۷۶۸ میلادی مقتول گردید

بود که بعد از مرگش منتشر شده است -

❀ دیوجانس ❀

DIOGÈNE

(دیوژن) که فلاسفه شرق (دیوجانس) می نامند از نوادر عصر خود محسوب است در سال ۴۱۴ قبل از میلاد مسیح در شهر [سینوپ] Sinope [۱] وجودش لباس حیات پوشید بطوریکه تذکره کرده اند (دیوجانس) با پدرش بعلت اتهام ساختن پول قلب مجبور بجلاء وطن شده و بآتن مسافرت نمود و در آنجا نزد (آنتستن) حکیم فوق الذکر مشغول تحصیل حکمت و فلسفه گردید پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال جامع علوم انسانی گویند هنگام سیاحت دستگیر دسته از دزدان دریائی شده و شخصی موسوم به (گزنیاد) Xéniade او را بخرید و او هم چندی سرگرم تربیت و تعلیم اطفال ناجی خود گشت (دیوجانس) عادات و اخلاق و رسوم مردمرا تقبیح میکرد

(۱) بندری محکم و شهری معظم در آسیای صغیر است که در سال ۱۸۵۹ میلادی دسته سفائن جنگی ترك در آنجا بدست روسها مغلوب و مضمحل گردید -

و همواره از معاشرت و قیل و قال بستوه و در ملال بود و سخت تنفر میجست و بیشتر اوقات بانزوا و تجرد میگذارند، ثروت و حشمت صوری طبیعت را محقر شمرده میگفت: عقل، با گردش طبیعت مطابق خلق شده است یعنی هیچوقت رفتار طبیعت با قوای عاقله انسانی مخالفت نمیکند در صورتیکه از خواهشهای نفسانیده که عقل بشر برای اطاعت او بوجود نیامده صرف نظر کرده چشم طمع بپوشیم . -

(دیو جانس) تحمل مصائب و شدائد را زیاد دوست می داشت و زندگانی بهراحت را علت محرومیت از لطائف روحانیه میدانست و نظر بقبول این زحمات که اصول فلسفه او نیز شامل

و محتوی است او را. (دیو جانس کلبی) Diogène Cynique
 رتال جامع علوم انسانی
 می نامند . -

گویند تمام فصول را پابرهنه در حرکت بود و غالب اوقات در ایوانهای معابد بایک شئل مختصر میغنود .

زمره از حکماء و مورخین (خم افلاطون) را به [دیو جانس کلبی] نسبت داده و همه جا تصویر این حکیم در (خمی) که منزل طبیعی خود قرار داده بود بنظر آمده است . -

مینویسند وقتی اسکندر کبیر در شهر (کورنت) Corinthe (۱) با دیوجانس ملاقات کرد و پس از دقیقه چند که با آن حکیم صحبت نمود گفت از من چیزی بخواه - معروف است (دیو جانس) باستعارت این عبارت گفت : میخوامم که زودتر از آفتاب من کناره کنی .

این حکایت معروف نیز بدو منسوب است :

روزی طفلی را دید کف دست خود را ظرف قرار داده آب مینوشد حکیم در حال تعجب فریاد کرد : این طفل در حقیقت سر مشقی برای من است و بورود در کلبه خویش ظرف آبخوری خود را بشکست و گفت : این ظرف نیز در زندگانی

اسباب تکلف و زیاده‌دستی است انسانی و مطالعات فرهنگی

چه بسا از این قبیل ^{حکایات} کف بدو منسوب است و تذکار آنها خارج از موضوع است . -

بالاخره (دیو جانس کلبی) در سال ۳۲۴ قبل از میلاد مسیح

در شهر [کورنت] Corinthe از دنیا برفت .

از مؤلفات (دیو جانس) آثاری بدست نیامده اگر هم بعضی

(۱) یکی از بلاد یونان قدیم است

رسائل را بدو منسوب دارند مورد قبول جامعه دانشمندان و محل اطمینان نیست .

غ . ن . ک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

